

بررسی زیبایی‌شناسی موتیف‌های اشعار فارسی شاعران منطقه ارسباران

مریم بیرامی جوبند^۱

دکتر مریم محمدزاده^۲*

دکتر رضا آقاباری زاهد^۳

چکیده

منطقه ارسباران، در استان آذربایجان شرقی، شاعران متعددی دارد. در این مقاله با معرفی ادبیات این منطقه و نگاهی کلی به جایگاه شعر در آن، موتیف‌های زیبایی‌شناسی در شعر پنج شاعر معاصر این منطقه: سالک اهری تبریزی (۱۲۷۱-۱۳۵۸ هـ)، مرتضی موسوی (۱۳۲۱-۱۳۵۴ هـ)، حامد اهری (۱۳۳۸ هـ)، امام‌وردی سامانی (۱۳۲۵ کلیدر) و اسماعیل سلطانی (۱۳۳۵ هـ) بررسی شده است. روش بررسی با مطالعه کتابخانه‌ای است و نگارش مقاله توصیفی تحلیلی می‌باشد. سالک اهری و مرتضی موسوی از شاعران دوره پهلوی و حامد اهری، امام‌وردی سامانی و اسماعیل سلطانی از شاعران بعد از انقلاب اسلامی هستند. هر پنج شاعر به موتیف‌های محتوایی و بلاغی شعر کلاسیک علاقه دارند و تحولات عناصر خیال و تصویرسازی معاصر در شعرشان کمتر دیده می‌شود. چنانکه شعرشان را باید ادامه جریان سنت‌گرایان معاصر نامید. نتایج بررسی زیبایی‌شناسی شعرشان نشان می‌دهد: استفاده از عناصر خیال کلاسیک، توجه به عناصر تصویرسازی معاصر و منطقه ارسباران، صورخیال ساده و عاری از تکلف و استفاده از آرایه‌های برتر بلاغت قدیم، از جمله جناس، تکرار، تشبیه، تلمیح، موتیف‌های زیبایی‌شناسی شعر آنها می‌باشد که در محتوای غنایی و عرفانی و اجتماعی استفاده کرده‌اند. در موتیف اجتماعی معاصر از عناصر خیال تازه و آرایه نماد استفاده کرده‌اند اما در مقایسه با موتیف‌های شعر کلاسیک و زیبایی‌شناسی بلاغت ادبیات کهن، نگاه نو در شعر این منطقه کمتر است و یک بخش شعر فارسی آنها در ادامه شعر کلاسیک می‌باشد.

واژگان کلیدی: ارسباران، شعر، زیبایی‌شناسی، موتیف، خیال.

۱. دانشجوی دوره دکتری زبان و ادبیات فارسی، واحد اهر، دانشگاه آزاد اسلامی، اهر، ایران
Email: maryam_576211@yahoo.com

۲. دانشیار گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد اهر، دانشگاه آزاد اسلامی، اهر، ایران (نویسنده مسؤول)
Email: m-moammadrezadeh@iau-ahar.ac.ir

۳. استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد اهر، دانشگاه آزاد اسلامی، اهر، ایران
Email: aghayari87@yahoo.com

مقدمه

در منطقه ارسباران، شاعران متعددی در طول قرن‌ها زندگی کرده‌اند و امروزه شاعران مختلفی دارد که در کنار فعالیت‌های زندگی، شعر را ادامه می‌دهند. شعر در این منطقه به دو زبان ترکی و فارسی رایج است. در حوزه شعر فارسی، شاعران برجسته و صاحب دیوان دارد که نشان‌دهنده اهمیت ادب فارسی در کنار زبان بومی منطقه است. در شعر فارسی، با توجه به تحولاتی که در ادبیات معاصر شکل گرفت و جریان‌های شعری ایجاد شد. شعر این شاعران، اغلب در گروه «جریان سنت‌گرایان معاصر» قرار دارد. در واقع شاعران منطقه با پشتوانه شعر کلاسیک، شعر می‌سرایند و مطابق با تحول زمانه پیش می‌روند. اما گرایش به شعر نو و جریان‌های نو معاصر علاقه‌مندی چندانی نیست. از نظر موضوع و موتیف‌های مهم، ادبیات این منطقه، در نگرش کلی، یک ادبیات غنایی، دینی، عرفانی و انقلابی است. شاعرانی دینمدار، معتقد، اخلاق‌گرا دارد که شعرشان همسو با مضامین برجسته و متداول ادبیات و تحولات شعر معاصر است. زیبایی‌شناسی شعرشان نیز در ادامه شعر کلاسیک و بهره‌گیری از عناصر خیال متداولی است که قرن‌ها در ادبیات تکرار شده‌اند. در این مقاله، با معرفی ادبیات این منطقه، زیبایی‌شناسی اشعار پنج نفر از شاعران آن بررسی شده است. هدف پژوهش، شناخت زیبایی‌شناسی موتیف‌های شاعران منطقه است. منظور از موتیف‌های زیبایی‌شناسی این است که دانسته شود در کاربرد آرایه‌ها و عناصر خیال در موتیف‌ها چه مواردی در شعرشان تکرار شده است. بر مبنای هدف، سؤالات زیر مطرح شده است.

- کدام آرایه‌ها بیشترین تکرار را در موتیف‌های شعر این شاعران دارد؟

- کدام عناصر خیال بیشترین تکرار را در شعر این شاعران دارد؟

- گرایش به عناصر و صورخیال معاصر در شعرشان چگونه است؟

با توجه به سؤالات، با مطالعه اشعار پنج شاعر از نظر موتیف‌ها و استخراج آرایه‌های شعری

آنها، زیبایی‌شناسی شعرشان بررسی شد و مقاله به صورت توصیفی تحلیلی نوشته شد.

پیشینه پژوهش

بررسی شعر شاعران منطقه ارسباران تاکنون به طور جدی مورد پژوهش قرار نگرفته است و انجام تحقیقی جامع در این خصوص ضروری است. در سایت‌های اینترنتی، وبلاگ‌ها، معرفی شاعران انجام شده و در مواردی ویژگی شعرشان آمده است اما پژوهش مشخص که جایگاه شعر فارسی را در ادبیات منطقه بررسی نماید، هنوز چاپ نشده است. پژوهش‌های انجام شده، صرفاً معرفی شاعران در قالب تذکره، معرفی مشاهیر و بررسی کلی تاریخ ادبیات آذربایجان است که به زبان ترکی و فارسی موجود است. از جمله می‌توان به کتاب «آذربایجان ادبیات تاریخینه بیر باخیش (نگاهی به تاریخ ادبیات آذربایجان)» (۱۳۵۸) از جواد هئیت، کتاب «تاریخ ادبیات آذربایجان» (۱۳۸۴) اثر محمدرضا باغبان کریمی و کتاب «برگی از بوستان ادب»، (۱۳۹۲) نوشته سارا قلی پور، کتاب «سخنوران آذربایجان» تألیف عزیز دولت‌آبادی اشاره کرد که در معرفی زندگی و شعر سخنوران کلاسیک و معاصر ارسباران نوشته‌اند. در این کتاب‌ها، اشعار شاعران بررسی نشده است. در مواردی موضوع ویژه‌ای در قالب کتاب جمع‌آوری شده است مثل کتاب «ادبیات مرثیه در منطقه ارسباران» (۱۳۹۴) نوشته حسین دوستی است که شعر آیینی شاعران منطقه را جمع‌آوری کرده است. اما در موضوع زیبایی‌شناسی شعر این منطقه، پژوهشی در دست نیست. در بررسی شعر شاعران تحقیق، یک مقاله با عنوان «بررسی موتیفها و مضامین اشعار فارسی شاعران منطقه ارسباران» از این نویسندگان در سال ۱۴۰۲ در نشریه بهار ادب، چاپ شده است که موتیف و مضامینی که از دوره مشروطیت تا امروز در شعرشان آمده، در اشعار شاعران این دوره‌ها تحلیل شده است اما زیبایی‌شناسی شعرشان مورد توجه نیست و پژوهش حاضر با این هدف نوشته شده است.

بحث و بررسی

منطقه ارسباران

ارسباران نام منطقه‌ای کوهستانی در شمال آذربایجان شرقی (تبریز) است. «سرزمین وسیعی که از شمال به رود ارس از مشرق به مشکین و مغان از جنوب به سراب و اوجان از مغرب به مرند و

تبریز محدود است» (سرهنگ بایبوردی، ۱۳۴۱: ۲۱) عنوان قدیمی آن به دلیل وجود کوه‌های سیاه آن، قره داغ (کوه سیاه) بود. این عنوان را تا دهه چهل داشت اما بعد از آن با محوریت رود ارس، نامش به ارسباران تغییر یافت «نام قره‌داغ به طور رسمی در سال ۱۳۳۷ به ارسباران تغییر یافت چرا که رود ارس، اراضی وسیعی از ارسباران را حیات بخشیده» (عباس‌زاده، ۱۳۷۵: ۱۶) محدوده جغرافیایی آن چندین شهر است «شهرهای اهر، کلپبر، هریس، وَرزقان، خداآفرین و هوراند را شامل می‌شود که تا چند سال پیش محدوده جغرافیایی این منطقه گسترده‌تر از امروز بوده و همه سرزمین‌های کناره رود ارس و نواحی متعددی تا نزدیکی‌های تبریز، مرنده، مشکین‌شهر و شبستر را شامل می‌شده است» (دوستی، ۱۳۹۴: ۲۱). بزرگترین شهر آن، «اهر» است که به عنوان مرکز آن شناخته شده است. «در آبان ماه همین سال (۱۳۳۷) اهر به عنوان شهرستان سوم آذربایجان شرقی شد و ارسباران نام گرفت» (سرهنگ بایبوردی، ۱۳۴۱: ۲۱) در کنار اهر همانگونه که گفته شد، شهرستان‌های دیگر نیز هستند. اما در کلیت تاریخچه ارسباران را می‌توان در تاریخ دو شهرستان معروف استان آذربایجان شرقی جست و جو کرد. یکی شهرستان اهر که در گویش محلی به آن ارسبار یا ارسباران هم می‌گویند و دیگری شهرستان کلپبر که بیشتر بخش‌های ارسباران در این شهرستان قرار داشته و در گذشته «بذ» نامیده می‌شد. اهر بزرگترین و مرکز ارسباران محسوب می‌شود. «شهرستان اهر، مرکز منطقه ارسباران به ارتفاع ۱۳۴۱ متر از سطح دریا در ۱۱۳ کیلومتری تبریز واقع شده و ۱۷ دقیقه و ۱۲ ثانیه با تهران اختلاف ساعت دارد و با توجه به ارتفاع مذکور، بلندترین نقطه از سطح دریا بین تمام شهرهای آذربایجان شرقی می‌باشد. وسعت شهرستان اهر، از مساحت بسیاری از کشورها از جمله قطر، لبنان، لوگزامبورک و قبرس بیشتر است و حدود ۱۲۱۹۷ کیلومتر مربع، مساحت دارد» (دوستی، ۱۳۷۳: ۴۹). بعد از اهر، شهرستان کلپبر که در نزدیکی قلعه بابک واقع شده است، جلوه‌گاه ارسباران است.

شعر ارسباران

شاعران بسیاری در این منطقه زندگی کرده‌اند و در حال حاضر نیز فعالیت شاعران قدیمی و جوان ادامه دارد. در آثار متعددی نیز سخنوران ارسباران معرفی شده‌اند. برخی از شاعران منطقه،

فقط چندین شعر دارند که در مجموعه‌ها آمده است اما برخی به طور مستقل دیوان شعر دارند. در این مقاله شاعران دوره پهلوی تا امروز مورد بررسی قرار گرفته‌اند که از میان آنها شعر پنج شاعر بررسی شده است. معرفی کوتاه این شاعران در ذیل آمده است.

سید مرتضی موسوی: مرتضی موسوی از شاعران دوره پهلوی است. وی در سال ۱۳۲۱ در روستای «رشت‌آباد» قدیم از توابع شهر اهر به دنیا آمد. «تحصیلات ابتدایی را در زادگاه خود به پایان برد و دوره متوسطه را در شهرستان اهر به اتمام رسانید و سپس در تبریز از دانشسرا فارغ‌التحصیل شد و سمت شریف آموزگاری یافت و در اغلب شهرها و دهات این مرز و بوم وظایف خطیر آموزگاری را به نحو مطلوب انجام می‌داد» (موسوی، ۱۳۶۵: ۵). وی در این دوران، شعرسرایی را آغاز کرد و آثارش در روزنامه‌هایی مثل کیهان، اطلاعات، مجله جوانان و عصر تبریز چاپ می‌شد (همان) سرانجام در سال ۱۳۵۴ در سن ۳۴ سالگی از دنیا رفت. به گفته دوستی «سید مرتضی موسوی اهری، شاعر و ادیبی بود که اگر فرصت ادامه زندگی می‌یافت آثار ارزنده و ماندگاری می‌آفرید و نامی بزرگ برایش در تاریخ ادبیات مطرح می‌شد» (دوستی، ۱۴۰۲: ۱۱) موسوی به شیوه کلاسیک و نو شعر سروده است اما در شعر نو موفقتر است. تنها مجموعه شعر «سوتک» از وی باقی مانده است و با تخلص «موسوی» شعر سروده است.

سالک اهری تبریزی: علی اکبر ابن زین‌العابدین متخلص به سالک اهری در سال ۱۲۷۱ شمسی در شهر اهر به دنیا آمد. «دوران طفولیت این شاعر در اهر سپری گشته و بعدها به همراه خانواده در تبریز رحل اقامت می‌افکنند. تحصیلات مکتبی ایشان نیز در شهر تبریز شکل می‌گیرد. شاعر در عنوان جوانی در اداره دخانیات استخدام گردید و از همان اداره به مقام بازنشستگی نائل می‌آیند» (اهری، ۱۳۹۸: ۱۱). شاعری را از دوره جوانی آغاز کرده و با تخلص «سالک» شعر سروده است. وی سرانجام در سال ۱۳۵۸ از دنیا رفته و در قبرستان دوره‌چی تبریز به خاک سپرده شده است. اشعار وی در کتابی به همین نام توسط رضا همراز گردآوری شده است. البته همزار در مقدمه نوشته است که این دیوان همه آثار او نیست و همه اشعار او در دسترس نبودند. آنچه در دفتر تدوین گردیده اوراق پراکنده ای است که به صورت تصاویری کم رنگ در اختیار ما بود و از تمام نوشته‌های او اطلاعی در دست نداریم (همان: ۷)

امام‌وردی سامانی: امام‌وردی سامانی در سال ۱۳۲۵ در شهر کلبر ارسباران به دنیا آمد. امروزه نیز همان‌جا زندگی می‌کند و در مؤسسه انجمن ادبی حکیم نباتی مشغول فعالیت است. وی تحصیلات مقدماتی را در شهر کلبر تمام کرد و بعد از اتمام تحصیلات به شعر روی آورده و با تخلص ایمان شعر سروده است. دیوان اشعار وی با عنوان «سامان دیوانی» چاپ شده است. علاوه بر این اشعارش در کتاب «شعر اوجاکی» که خودش گردآوری کرده، چاپ شده است. وی در شعر فارسی و ترکی زبانزد است.

اسماعیل سلطانی: اسماعیل سلطانی در سال ۱۳۳۵ در شهرستان اهر به دنیا آمد. تحصیلات ابتدایی و متوسطه را در زادگاهش به اتمام رساند. برای ادامه تحصیل و احراز مقام معلمی راهی دانشسرای مقدماتی پسران تبریز شد. بعد از فارغ‌التحصیلی، در روستاهای دورافتاده و محروم ارسباران به تدریس پرداخت و هم‌اکنون نیز بازنشست شده است. اسماعیل سلطانی با تخلص خاقان شعر سروده است. وی اشعار فارسی و ترکی دارد و اشعار فارسی در مجموعه «شرح هجران» چاپ شده است.

حامد اهری: میرحسین فخرایی با تخلص حامد از شاعران و ادبای منطقه ارسباران است. وی در سال ۱۳۳۸ در شهر اهر به دنیا آمد. تحصیلات ابتدایی را در شهرستان اهر تمام کرده است. در سال ۱۳۶۳ به استخدام آموزش و پرورش درآمد و در رشته ادبیات فارسی به عنوان معلم در مدارس کلبر و اهر به تدریس مشغول گردید. وی رئیس انجمن ادبی شیخ شهاب‌الدین اهری بوده است که در کنار شغل معلمی و ریاست انجمن ادبی شهرستان اهر، شعر سروده است. وی به دو زبان ترکی و فارسی شعر دارد و دیوان «قرداغ گوزگوسی» و «پاییزلار» را به زبان ترکی چاپ کرده است. بعد از این دو مجموعه دیوان شعر با زبان فارسی و ترکی چاپ کرده است. در دیوان این شاعران، محتوا و تصویرپردازی شعر کلاسیک تکرار شده است و جزو «موتیف» یا «بن‌مایه» شعرشان قرار گرفته است «بن‌مایه، درون‌مایه، شخصیت یا الگوی معینی است که به صورت گوناگون در ادبیات و هنر تکرار می‌شود» (داد، ۱۳۸۵: ۸۶) در حوزه موتیف‌های ادبیات کلاسیک، ادب غنایی، ادب عرفانی و ادب تعلیمی و دینی در شعر این منطقه فراوانی دارد. در

ادب غنایی، توصیف‌هایی غنایی از معشوق به شیوه شعر کلاسیک است، مثلاً تأثیر رمانتیسم در این منطقه کمتر است. همانند شعر کلاسیک معشوق کلی است و موتیف معشوق جفاکار و عاشق هجران‌کشیده تکرار شده است. در مضمون عرفانی، گرایش به عرفان عاشقانه است و موتیف عشق الهی، تقابل عقل و عشق و مضامین قلندری و نقد زهد ریایی تکرار شده است. در مضمون ادب تعلیمی نیز توصیه‌های شعر کلاسیک دیده می‌شود که اغلب نقد گرایش به دنیا و مادیات، نکوهش حرص و طمع، توصیه به کار خیر و نیکی است. در محتوای دینی نیز وصف و منقبت و مرثیه ائمه اطهار آمده است. در موتیف‌های شعر معاصر، به محتوای اجتماعی، انقلابی و دفاع مقدس توجه دارند. وصف تاریخ ارسباران، عشق به وطن، نقد جامعه و حکومت پهلوی، توصیف انقلاب اسلامی، وصف دفاع مقدس و ارزشمندی شهدا، جزو موتیف‌های شعر آنهاست. در دیوان شاعران تحقیق، موتیف غنایی، مورد توجه همه آنهاست. مضمون اجتماعی در نقد جامعه پهلوی در شعر موسوی و سالک اهری تبریزی آمده است. در موتیف عرفان شعر حامد اهری و سلطانی برجسته است

جدول زیر، در نگاه کلی کوتاه، موتیف‌های برجسته پنج شاعر را نشان می‌دهد.

| نام شاعران | موتیف‌های اصلی در محتوا |
|------------------|---|
| مرتضی موسوی | غنایی، اجتماعی |
| امام‌وردی سامانی | غنایی، عرفانی، مذهبی، وطن، انقلاب اسلامی |
| سالک اهری تبریزی | غنایی، مذهبی، اجتماعی، عرفانی، وطن، تعلیمی، طنز |
| اسماعیل سلطانی | غنایی، عرفانی |
| حامد اهری | عرفانی، غنایی، تعلیمی |

از نظر زبان و واژگان نیز، این شاعران به تناسب موتیف‌های غنایی و عرفانی شعر کلاسیک، از واژه‌های شاعران کلاسیک استفاده کرده‌اند و قالب شعرشان غزل، قصیده، رباعی و دوبیتی است، فقط موسوی در قالب شعر نو، چند شعر دارد. به لحاظ زیبایی‌شناسی، از انواع تصاویر شعر فارسی استفاده کرده‌اند «در عام‌ترین مفهوم، تصویر بر کل زبان مجازی اطلاق می‌شود یعنی

آن بخش از کاربردهای خلاقه و هنری زبان که از رهگذر تصرفات خیال در زبان عادی به وجود می‌آید» (فتوحی، ۱۳۸۵: ۴۱) در موسیقی درونی و موسیقی معنوی موتیف‌های شعرشان، برخی آرایه‌ها پرتکرار هستند که می‌توان آن را موتیف‌های زیبایی‌شناسی شاعران نامید. زیبایی‌شناسی شعر پنج شاعر در مؤلفه‌های زیر می‌باشد:

زیبایی‌شناسی شعر

عناصر خیال کلاسیک

با تحولات شعر معاصر، عناصر خیال کلاسیک در جریان شعر نو متحول شد، عناصر امروزی متناسب با زندگی انسان مدرن به تصاویر شعری اضافه گشت و بوطیقای تصویرپردازی کلاسیک کنار رفت اما در شعر منطقه ارسباران در همین دوران، عناصر بلاغی شعر کلاسیک ادامه یافته است. این موتیف به زبان، قالب و محتوا مرتبط است. در موتیف‌های محتوایی، نگرش شاعران ارسباران همسو با محتوای شعر کلاسیک است. در زبان شعری نیز، سادگی زبان غزل در شعرشان دیده می‌شود. از شاعران تحقیق، شعر اسماعیل سلطانی از نظر واژگان، دشواری دارد اما اشعار شاعران دیگر ساده است. در ادامه زبان و محتوا، عناصر خیال شعر کلاسیک نیز در شعرشان، به فراوانی استفاده شده است که می‌توان گفت عناصر خیال شاعران این منطقه برگرفته از عناصر پرتکرار شعر کلاسیک است. این شاعران در ادامه محتوای غنایی و عرفانی شعر کلاسیک، بلاغت کلاسیک را هم به کار برده‌اند. از شاعران فقط مرتضی موسوی چند شعر در قالب شعر نیمایی دارد و در آن به تناسب تحولات زمانه از آرایه نماد با عناصر تازه استفاده کرده است اما در اشعار کلاسیک، همان موتیف‌های بلاغی سنتی را به کار برده است. واژه جدید که برگرفته از خیال تازه باشد یا از محیط زندگی و منطقه ارسباران گرفته باشند در مقایسه با عناصر سنتی کمتر است. ابیات زیر از شعر اسماعیل سلطانی و سید مرتضی موسوی انتخاب شده است. در این ابیات، عشق، موتیف اصلی است. هر دو در مضمون عشق، نگاه سنتی دارند. معشوق زیباروی جفاکار با همان ویژگیهای معشوق غزل کلاسیک حضور دارد و عاشق در حسرت وصالش سوخته و غم

فراقش را شرح می‌دهد. سلطانی در زیبایی‌شناسی از اضافه تشبیهی «چراغ عمر»، تشبیه معشوق به سرو و دلبران ترک و تاتار را آورده است.

| | |
|-------------------------|-------------------------|
| مهتاب تو چلچراغ درویش | سیماب تو کیمیای برزو |
| اندر بر تو چراغ عمرم | در زمره اختران کم‌سو |
| در باغ چمان چو سرو آزاد | در کوه رمان چون بچه آهو |
| چون دلبران ترک و تاتار | فتان و ستمگر و پری‌رو |
| بدر تو به زیر ابر تاریک | زیبا رخ لا به لای گیسو |
| یادآور رؤیت هلال | قد خم من کمان ابرو |

(سلطانی، ۱۳۸۰: ۵۱)

موسوی در ابیات زیر از فراق گفته است و فراق را به خار مانند کرده است.

| | |
|---------------------------------|-----------------------------------|
| خلید خار فراق به پای من ای دوست | وصالت ار ندهد دست، وای من ای دوست |
| به جرم دیدن روی توأم صباحی چند | شده فراق تو اینک جزای من ای دوست |

(موسوی، ۱۳۶۵: ۲۰)

سالک اهری در بیت زیر با نگاه سنتی، باده را تشبیه به عقیق یمنی کرده است.

ساقی و ساغر و طرف چمنی می‌طلبم باده همچو عقیق یمنی می‌طلبم

(اهری، ۱۳۹۸: ۶۴)

سامانی در بیت زیر در وصف معشوق از اضافه تشبیهی «تیر مژگان» ستفاده کرده است

چو جان از تیر مژگانت رهانم سراپایم شکار چون تو یوزی

(سامانی، ۱۳۸۹: ۷۲)

عناصر خیال معاصر و منطقه ارسباران

تازگی تشبیه در مواردی در شعر آنها دیده می‌شود گرچه در مقایسه با عناصر خیال کلاسیک کمتر است. برای نمونه در بیت زیر از حامد اهری «کبک دل» تازگی دارد. البته تشبیه به کبک در شعر

کلاسیک آمده است اما اضافه «کبک دل» تازگی دارد. در این منطقه، در کوهها کبک فراوان است. در ادبیات دل کبک داشتن کنایه از ترسو است اما اهری کبک دل را اضافه تشبیهی قرار داده که گویی برگرفته از طبیعت ارسباران است.

کبک دل بی مه تو کوه و کمر را چه کند؟ شهد عیش و اثر خور و قمر را چه کند
(اهری، ۱۳۹۹: ۱۹۳)

در بیت زیر از تشبیه به صخره استفاده کرده است که می‌توان گفت تأثیری از محیط کوهستانی ارسباران است.

بر دشمنان چو صخره ستبر و غلیظ و تیز بر دوستان نسیم و چو دیبا رقیق باش
(همان: ۱۹۶)

یا در بیت زیر از موسوی تشبیه از عناصر خیال شعر معاصر است.

زندگی بر من چو استبداد بر ایران بود آمد آن آزاد سروم دفع استبداد کرد
(موسوی، ۱۳۶۵: ۱۷)

سامانی در ابیات زیر تلمیح به بابک و سارا زده است که شخصیت معروف در منطقه ارسباران هستند. سارای نام یک داستان محلی و قلعه بابک نیز در نزدیکی کلبر می‌باشد. بابک شخصیت برجسته آذربایجان است که درمقابل اعراب ایستادگی کرد.

ز ترکان دخت چون سارا دل ار بندد شبانی را ربایندش به اجباری بخواهد ابر بارا را
زمان کی دیده چون بابک، یلی از مجمر آذر ز رخ با خون برد زردی چه خونی رنگ بالا را
(سامانی، ۱۳۸۶: ۵۳)

صورخیال ساده

در شعر ارسباران آرایه‌های دشوار یافت نمی‌شود. به گونه‌ای که تشبیهات وهمی و عقلی، کنایه از نوع رمز، ایهام و استعاره مرشحه که در بلاغت کلاسیک جزو آرایه‌های دشوار بودند. استفاده نکرده‌اند. صورخیال شعر این منطقه تحولات سادگی دوران معاصر را پذیرفته است و با اینکه در

عناصر خیال توجه آنها بیشتر به شعر کلاسیک است اما از نظر سادگی نشان می‌دهد که با دیدگاه شعر معاصر از تکلفات ادبی دور شده‌اند.

غزل زیر از موسوی است که در موتیف عاشقانه سروده است. صورخیال به صورت اضافه تشبیهی «گل روی تو»، مبالغه «جاری شدن خون از چشم به جای اشک»، تلمیح به داستان «لیلی و مجنون»، استعاره در «نرگس مست»، ایهام در واژه «مجنون»، تکرار در واژه «افسون» آمده است که همگی ساده هستند و با اندک تأمل دریافت می‌شوند.

| | |
|------------------------------------|-------------------------------------|
| عوض اشک ز چشم شده جاری خونم | در فراق گل روی تو چه دانی چونم؟ |
| در غم هجر تو من نیز یکی از مجنونم | عشق من کرد ترا لیلی دیگر آری |
| زندگی را همه در پیش تو من مدیونم | از میان دد و دیوان تو خلاصم کردی |
| اینک از آتش آن مستم و هم مفتونم | فتنه‌ها کرد دوتا نرگس مستت که مگو |
| نیست چون من که یکی هست درون بیرونم | آن رقیبان سیه قلب و ظواهر آرا |
| لیک من ساده‌دل و بیخبر از افسونم | کار آنها همه افسانه و افسون و ریاست |
| کیستم من ز کجا آمده‌ام یا چونم | خودستایی مکن ای موسوی او خود داند |
| بخت اگر یار شود، بخت خوش و میمونم | بگذرد هجر و زمانی به وصالش برسم |

(موسوی، ۱۳۶۵: ۲۱)

ابیات زیر از اشعار سلطانی است که آرایه تشبیه را آورده است:

| | |
|--------------------------|--------------------------|
| همه زنده کنی به کج نگاهی | هم امر به کشتنم نمایی |
| امداد نمی‌کنی و گاهی | شاهین قضا کبوتر عشق |
| از لشکر گیسوان سپاهی | با خنجر غمره تیر مزگان |
| تاراج کنی و باج خواهی | می‌تازی و چون تثار تیمور |
| هر یک ببری به داغگاهی | عشاق به صف چو خیل اسبان |

(سلطانی، ۱۳۸۰: ۵۸)

توجه به آرایه‌های مهم و پرتکرار

در موتیف‌های شعر شاعران منطقه چند آرایه برتر در حوزه موسیقی درونی و معنوی و صورخیال پرتکرار است.

موسیقی درونی: این موسیقی در حوزه زیبایی‌شناسی به بدیع لفظی مربوط است «در بدیع لفظی هدف این است که متوجه شویم گاهی انسجام کلام ادبی بر اثر روابط متعدد آوایی و موسیقایی در بین کلمات. یعنی آن رشته نامرئی کلمات را به هم گره می‌زند و بافت ادبی را به وجود می‌آورد، ماهیت آوایی و موسیقایی دارد» (شمیسا، ۱۳۸۳: ۱۲) شفیع‌کدکنی در تعریف آن نوشته است: «مجموعه هماهنگی‌هایی که از رهگذر وحدت یا تشابه یا تضاد صامت‌ها و مصوت‌ها در کلمات یک شعر پدید می‌آید، جلوه‌های این نوع موسیقی است و اگر بخواهیم از انواع شناخته شده آن نام ببریم انواع جناس‌ها را باید یادآور شویم» (شفیع‌کدکنی، ۱۳۹۱: ۳۹۲) در شعر ارسباران موسیقی درونی در جناس و تکرار فراوانی دارد.

حامد اهری در بیت زیر از واژه «مهر» و «خاطر» به صورت جناس استفاده کرده است. شاخصه سبکی وی این است که واژه‌های جناس را کنار هم قرار داده است.

بیرون نباش از قلب من ای مهر مه‌رت سرمدی

از خاطر خاطر روان، خوش بر دل و جان آمدی

(اهری، ۱۳۹۹: ۲۱۳)

بیت زیر واژه «سور» و «شور» جناس اختلاف در اول است.

آوای محفـــــــــــــــــل ما از نای جان برآید محصول مطرب ما معجون شور و سور است

(همان: ۱۸۸)

در بیت زیر، واژه «تعلیم و تعلم» جناس اضافه در وسط است.

بی کرشمه عشق آمد این تعلیم و تعلیم کزین عمل سر عرش آمده منار معلم

(همان: ۲۲۷)

بیت زیر در نکوهش عقل است، واژه «خرد» و «خرد» جناس حرکتی است.

کاش از خرد خُرد تهی می‌گشتیم با فلسفه بر قاف پریدن، واهی

(همان: ۲۵۵)

در بیت زیر از سالک اهری واژه «لبن» و «لبنی» جناس اضافه در وسط است.

گل مراد من از هر نسیم نگشاید که آرزوی دل من لبی ست یا لبنی

(اهری، ۱۳۹۸: ۱۰۰)

در بیت زیر واژه «کله» با «کله» جناس ناقص حرکتی است.

کله از کله برانداز لب جام ببوس ساز کن سازطرب با غزل شورانگیز

(همان: ۵۳)

در بیت زیر در واژه «ختا» و «خطا» جناس خط آمده است.

در ختا هم نتوان یافت به مانند تو آهو خود خطا باشد اگر گویمت آهوی ختابی

(همان: ۱۰۱)

در بیت زیر از سامانی «واژه‌های «وعظ» و «واعظ» جناس زاید (اضافه در وسط) است

وعظ و اعظ وحی حق اندر کلام انبیاءست غیر این باشد عبث الفاظ و ازبر می‌کند

(سامانی، ۱۳۸۶: ۷۱)

ابیات زیر تکرار واژه‌ها در بیت است:

موقع سعی و عمل را مده از دست چنین سالکا وقت عزیز است و عزیز است و عزیز

(اهری ۱۳۹۸: ۵۳)

در این بساط نخواهیم صدر انجمنی که صدر انجمنی کی رسد به همچو منی

(همان: ۱۰۰)

قلم اعجاز خلاق برین است قلم اعجوبه‌ای عشق آفرین است

ز وصفش عقل جانها قاصر آید قلم نقاش نسل برترین است

قلم‌ها چشمه‌های عشق و شورند قلم‌ها بانیان صدق و نورند

(اهری، ۱۳۹۹: ۲۴۰)

سخن اهدایی دنیای بالاست سخن پیرایه مردان والاست

سخن را قدردان و دل سپارش سخن صراف انسان ارج بالاست

(همان: ۲۳۸)

قصد جان کرده‌ای فدای تو جان سرو و جانم فدای زنده‌دل

(سلطانی، ۱۳۸۰: ۵۰)

ای آه نمان غم جگرسوز روزم شده شام و شام من روز

(همان: ۳۰)

هرکسی کو عشوه‌هایم را بدید جانش بر تن، تن بر جان دشمن کنم

(همان: ۴۵)

موسیقی معنوی و صورخیال: آرایه‌هایی که جزو بدیع معنوی هستند، در موسیقی معنوی جای دارند، در این موسیقی برخلاف موسیقی درونی که تکرارهای آشکار در ظاهر کلمات می‌باشد، ارتباط معنایی واژه‌ها مورد توجه است. به عبارتی «همه ارتباطهای پنهانی عناصر یک بیت یا یک مصرع و از سوی دیگر همه عناصر معنوی یک واحد هنری (مثلا یک غزل یا یک قصیده و یا منظومه خواه کلاسیک و خواه مدرن) اجزای موسیقی معنوی آن اثرند و اگر بخواهیم از جلوه‌های شناخته شده اینگونه موسیقی چیزی را نام ببریم بخشی از صنایع معنوی بدیع از قبیل تضاد و طباق و ایهام و مراعات‌النظیر از معروفترین نمونه‌هاست» (شفیعی کدکنی، ۱۳۹۱: ۳۹۳) آرایه‌های مربوط به «بیان» نیز در کتابهای زیبایی‌شناسی به عنوان صورخیال یاد شده است. «بر روی هم مجموعه آنچه را که در بلاغت اسلامی در علم بیان مطرح می‌کنند با تصرفاتی می‌توان موضوع و زمینه ایماژ دانست زیرا مجاز و صور گوناگون آن و تشبیه، ارکان اصلی خیال شعری هستند و در شعر هر زبانی، جوهر شعر بازگشتن به همین مسئله بیان است» (شفیعی کدکنی، ۱۳۹۰: ۹-۱۰) همچنین شفیعی کدکنی در بخشی با عنوان «صورخیال در علم بدیع»، ایهام و اغراق و چند آرایه بدیعی را بیان کرده و بنا به دلیل خیال‌انگیز بودن آنها را جزو صورخیال معرفی نموده است (همان: ۱۲۵)

اهمیت موسیقی معنوی و صورخیال در شعر شاعران ارسباران بیشتر از موسیقی درونی است. در این موسیقی، توجه شاعران به آرایه‌های تشبیه و تلمیح فراوانی سبکی دارد.

تشبیه

در تشبیه، اضافه تشبیهی، بیشتر تکرار شده است. بعد از آن تشبیه مفصل فراوانی دارد. از آنجا که صورخیال ساده و عاری از تکلف است. کاربرد انواع تشبیه شکلی یا با وجه‌شبه‌های دشوار دیده نمی‌شود. تمامی تشبیه‌ها با یکبار خوانش بیت، فهمیده می‌شود. موارد زیر اضافه تشبیهی است:

گل دلم نشکفت از نوای زیر و بم‌آلود مگر به چه‌چه پر رمز و سر هزار معلم

(اهری، ۱۳۹۹: ۱۹۳)

پژمرد شاخه‌های امیدم به باغ دل خاموش گشت شمع امید و چراغ دل

باد خزان وزید به گلزار هستی‌ام کس را نداشتم که بگیرد سوراغ دل

(موسوی، ۱۳۶۵: ۱۴)

من و لعل لب این چه افسانه باشد نی و بربط و نغمه آسمانی

(سلطانی، ۱۳۸۰: ۶۰)

آتش عشق تو می‌سوخت همی نالیدم دامن از سیل سرشکم نه کم از دریا بود

(اهری، ۱۳۹۸: ۴۶)

شمشیر کلامت / فاخر و پرحشمت / پرده‌های جهل را می‌شکافد / و زلال بیانت / که آب

حیات را تداعی می‌کند / آهوان اندیشه را / به استقسا وا می‌دارد / همیشه سیراب و همیشه تشنه /

تصویرت را / ای مرد دانا / و ای معلم بزرگ / با گل میخ عاطفه / در تمامی حجره‌های انسانی

مغزم / نشانده‌ام (همان: ۱۰)

موسوی در بیت زیر خود را به جغد تشبیه کرده است:

همچو جغد آشیان گم کرده در ویرانه‌ها کرده‌ام شبها سحر با وای وای خویشتن

(موسوی، ۱۳۶۵: ۲۵)

سامانی در وصف تیم فوتبال تراکتور تبریز، آنها را به پلنگ و عقاب تشبیه کرده است:
 تیم تراکتور را نگر گوی از رقیبان می‌برد گل‌ها ز آذربایجان سرپای ایران می‌برد
 بازکنانش چون پلنگ همچون عقابان تیزچنگ تاج یلان را بی‌درنگ از چنگ شیران می‌برد
 (سامانی ۱۳۸۶: ۵۸)

ابیات زیر از سلطانی، حامد و سالک اهری است:
 من ز خماری و می‌آلودگی همچو گل لاله سرم روی دوش
 (سلطانی، ۱۳۸۰: ۳۲)
 اگر کوهی چون کاهت می‌کند هجر و اگر طوفان چو آهت می‌کند هجر
 (اهری، ۱۳۹۹: ۲۴۲)
 آشفته‌کار و بارم چون تار زلف یار در سینه‌ام نه طاقت و نه در دلم قرار
 (اهری، ۱۳۹۸: ۴۷)

تلمیح

تلمیح در شعر ارسباران یک آرایه محوری است که مورد توجه همه شاعران قرار گرفته است. تلمیح به شخصیت‌های دینی، تاریخی، داستانی و حماسی بیشترین فراوانی را دارد که حدود ۶۰ درصد در مقایسه با دیگر آرایه‌ها دیده می‌شود. گرایش شاعران به تلمیحات دینی بیشتر است. تلمیحات قرآنی نیز حدود ۱۰ درصد است که در موتیف عرفانی آمده است. داستان حضرت خضر، حضرت سلیمان، حضرت ابراهیم، حضرت نوح، حضرت یوسف، داستان قارون، داستان لیلی و مجنون، خسرو شیرین، وامق و عذرا، داستان رستم و سهراب، سیاوش از عناصر ادب کلاسیک است اما در تلمیح‌های معاصر، به شخصیت‌های بابک خرم‌دین، داستان فولکلور سارای، ستارخان، باقرخان، نادرشاه تلمیح زده‌اند.

ابیات زیر از شعر موسوی است:

با ناکسان نشست و بکرد عمر تباه بدبخت آنکه چون پسر بی‌شعور نوح
 (موسوی، ۱۳۶۵: ۱۵)

کعبه دل خالی از اصنام پر افساد کرد
بت‌شکن آمد بت طناز من همچون خلیل
(همان: ۱۷)

صحبت اہسال در پیش سلامان خوشتر است

غیر حرف عشق او هرگز مگو در پیش من
(همان: ۳۶)

گفته بودی می‌کشی ما را
غافل از اینکه ما سیاوشیم
خون ماها گرفته قعر زمین
بهر کشتار خلق می‌جوشیم

(همان: ۳۱)

ایبات زیر از شعر سالک اهری است:

عشق تو زلیخا را مقنع ز سراندازد
از چهره خود ماها گر پرده براندازی
(اهری، ۱۳۹۸: ۳۵)

یوسفی داده‌ام از دست که همچون یعقوب

اندرین خانه غم پیرهنی می‌طلبم
(اهری، ۱۳۹۸: ۶۴)

شده مجنون تو لیلا جمالی
چو دیوانه ره صحرا گرفته

(اهری، ۱۳۹۸: ۸۳)

ایبات زیر از شعر حامد اهری است:

من از مهرت گرفتم صد امان را
ندیدم خالی از عشقت زمان را
اگر فرهاد کوهی کند از عشق
من از عشقت شکافم آسمان را
(اهری، ۱۳۹۹: ۲۳۲)

اسب خرد طلب نکن حامد عشق ورز من

تا چو سلیمان به دمی خود ز زمین رها کنم
(همان: ۲۰۷)

ز **نفخ**م ساخت تا برتر نماید به دیگر کایناتش سر نماید
من از مردن ندارم هیچ باکی مسم را می‌کشد تا زر نماید

(همان: ۲۳۴)

جهان را با **نفخت** زنده کردی

به پیمان و قراری بنده کردی

بنازم بر کمالات و جمالت

به عشقت، خلق را پابنده کردی

(همان: ۲۳۸)

ایبات زیر از شعر سلطانی است:

من **خضر** نی‌ام که دست یابم

بر چشمه آب زندگانی

ما را نفسی ز دوست خوشتر

باشد که ز حیات جاودانی

(سلطانی، ۱۳۸۰: ۵۵)

در ایبات زیر تلمیح تازه‌ای آورده است و به داستان شمس و مولانا اشاره کرده است.

تو چون شمس یافتی اشراق

دلربایی نما و عشوه‌گری

من چو ملای روم شرق به غرب

بس کشیدم فراق و دربدری

(همان: ۵۴)

واژه «اشراق» نیز ایهام به فلسفه شیخ اشراق (شیخ شهاب‌الدین سهروردی) دارد. شعر «مادر»

را در وصف عظمت مادر در خانواده و تربیت فرزندان سروده است و به او عنوان «شیرازه

خانواده» گفته است که شیران (استعاره از فرزندان شجاع و قوی) را بزرگ می‌کند. در توصیف

مادر، از تلمیح‌های حماسی، تاریخی و دینی استفاده کرده است.

ای مادر رنج دیده بسیار

شیرازه خانه مرد پیکار

از شیر تو ای بسا که شیران

سلطان شده‌اند و بارسالار

منصور ز دامن تو بر خاست

بر اوج رفیع قله ی دار

تهمینه شدی که تا تهمتن

بر بام وطن شود سپهدار

عیسی که صلیب عشق بر دوش

می برد و به فرق تاجی از خار

از مریم پاکدامن است و زان شد

فرمانده قلب‌های بیدار

هر جا سخنی ز مادر آید

آنجا نشود به غم گرفتار

(همان: ۲۸)

سامانی در ابیات زیر نیز وصف بهار کلیبر و زیبایی‌های آن به بابک خرم‌دین و داستان عاشقی

«سارای» تلمیح زده است.

چو «آنزا» جنگلش انبوه ز «بابک» قلعه‌ای بر کوه

طوافش بر افرازد روح یقینش آستان بینی

سیه چشمانش _____ ان یارا، ذکا با علم را دارا

حیا بگرفته از «سارا» نگاهش جانستان بینی

(سامانی، ۱۳۸۶: ۶۹)

بعد از تلمیح و تشبیه آرایه‌های کنایه، مبالغه بیشترین تکرار را دارند. در کاربرد کنایه از انواع کنایه‌های ساده و رایج استفاده کرده‌اند.

سلطانی با مضمون تکراری ناله بلبل از فراق گل، «از طاق افتادن» را آورده است که کنایه از به نهایت بی‌طاقتی رسیدن است.

بلبلی ناله همی کرد ز دستان فراق که ز هجران گلم بی‌خبر افتادم طاق

(سلطانی، ۱۳۸۰: ۳۳)

در ابیات زیر به دنبال باده ارغوانی است تا رنج جهان را از خود دور کند. کنایه جهان به پول سیاه نمی‌ارزد را آورده است. به یک پول سیاه نیرزیدن کنایه از سخت بی‌ارزش بودن است

بده ساقی آن باده ارغوانی

که سازم به مستیش با زندگانی

بیا تا حجاب از رخت برستانم

به پول سیاهی نیارزد جهانی

(همان: ۶۰)

در بیت زیر از حامد اهری، «نقش بر آب» کنایه از بیهوده بودن است:

اگر خالی بود سقف از ستون‌ها

عمارت کردنت نقشی برآب است

(اهری، ۱۳۹۹: ۲۳۱)

سالک اهری در بیت زیر «پهلوی تهی کردن» را آورده است که کنایه از پرهیز کردن و کنار نمودن از کاری و چیزی است.

نرنجم با منت گر نیست میل هم‌رهی کردن

بود رسم بتان، دل بردن و پهلوی تهی کردن

(سالک اهری، ۱۳۹۸: ۱۱۶)

در بیت زیر از سلطانی «باددستی» کنایه از بیهوده و بی نتیجه بودن کار کسی است.

چنان باددستی نمودم به عمرم

که چون باد بگذشت دور جوانی

(سلطانی، ۱۳۸۰: ۶۱)

آرایه مبالغه در موتیف غنایی در وصف معشوق دیده می‌شود. سامانی در بیت زیر در وصف اشتیاق دیدار معشوق می‌گوید گرد و غبار کوی او را با پلکش می‌روبد و دوچشمش را جای پای او قرار می‌دهد.

ندانم از کدامین و کجایی

سر کویت نشینم تا در آیی

برویم گرد کویت را به پلکم

دو چشمم از برایت جای پایی

(سامانی، ۱۳۸۶: ۷۲)

سالک اهری در یک تشبیه پنهان تفضیلی به صورت مبالغه قد معشوق را در برابر سرو می‌سنجد و می‌گوید وقتی او را دیده است دیگر سرو بوستان برایش اهمیتی ندارد.

قد موزون تو تا بود مرا سایه فکن

قامت سرو لب جوی نبد در نظرم

(اهری، ۱۳۹۸: ۴۱)

بیت زیر از سلطانی نیز همین مفهوم را دارد، سرو را در برابر قد معشوق خجالت زده معرفی کرده است

سروها شرمگین ز قامت دولت

لاله‌ها سر به زیر از این رجحان

(سلطانی، ۱۳۸۰: ۵۰)

استعاره در موتیف غنایی بیشتر دیده می‌شود. در وصف معشوق، استعاره متداول کلاسیک مثل ماه برای معشوق، نرگس برای چشم، لعل برای لب، سرو برای قد تکرار شده است.

مانند نمونه‌های زیر:

نه به تیغ تیز سلطان نه به شعر نغز خاقان

نشود که سرو ما را سوی بوستان کشیدن

(سلطانی، ۱۳۸۰: ۴۹)

به عشق نرگس فتان تو بنوشتم این قطعه

نشد اندر خور آن دستگه البتّه البته

(اهری، ۱۳۹۸: ۸۱)

فتنه‌ها کرد دو تا نرگس مست که مگو

اینک از آتش آن مستم و هم مفتونم

(موسوی، ۱۳۶۵: ۲۱)

علاوه بر این، آمیختگی آرایه‌ها زیبایی دوچندانی به شعرشان داده است. آمیختگی با آرایه ایهام نمود بیشتری دارد. در بیت زیر از سالک اهری، مبالغه و ایهام وجود دارد. مصرع دوم مبالغه در توصیف اندوه شاعر از هجران معشوق است.

واژه «کنار» در مفهوم ساحل و در مفهوم خود کنار آمده که ایهام است.

ز هجرانت بسی نالیده‌ام زار کنارم صورت دریا گرفته

(اهری، ۱۳۹۸: ۸۴)

در بیت زیر علاوه بر مبالغه در مصرع دوم، در مصرع اول «لعل» استعاره از لب معشوق است:

اگر سالک چشد از شهد لعلت بدان ماند دو تن حلوه گرفته

(همان)

در بیت زیر «سرو» استعاره از معشوق است. «تیغ» و «تیز» نیز باهم جناس دارند.

نه به تیغ تیز سلطان، نه به شعر نغز خاقان

نشود که سرو ما را سوی بوستان کشیدن

(همان: ۴۹)

در بیت زیر از سامانی تشخیص و مبالغه آمده است:

گریست اندر غمت کلکم ز غم خونبار شد پلکم

شفا یابی تپد دل کم چو بیند نقش دارویت

(سامانی، ۱۳۸۶: ۶۷)

نماد

نماد در چند مورد در موتیف اجتماعی در شعر موسوی آمده است. موسوی در دوران پهلوی علیه رژیم فعالیت می‌کرد و توسط ساواک شکنجه شد، در ابیات زیر جامعه ایران را با نماد باغ وصف کرده است که در اختناق و استبداد فرو رفته است؛ از هر طرف صدای تیر می‌آید، نفسها بند آمده و گویی قیامت شده است و این صدا به گوش می‌رسد که باید تمام سروها (نماد مبارزان) کشته شوند.

در باغ، های و هوی غریبی فتاده است / از هر طرف صدای تیر می‌رسد به گوش / و چرخ سفله / سینه خورشید خویش را / با دشته کسوف / از هم دریده است / در اختناق باغ نفس بند می‌شود / گویی که بامداد قیامت رسیده است / اینک پرندگان باغ / با بالهای خسته خود بر فراز باغ / پرواز می‌کنند / و با زبان خود که همان بیزبانی است / هر دم هزار همهمه آغاز می‌کنند / از هر طرف صدای تیر می‌رسد به گوش / و خورشید با آن همه جلالت و حشمت / در زیر چکمه‌های کسوف آرمیده است / بانگی بلند / در کوه‌ها و افقهای دور دست / می‌پیچد هولناک / باید ز سروهای باغ / حتی یکی به جا نگذاریم هر کجاست (موسوی، ۱۳۶۵: ۱۲)

نتیجه‌گیری

در پژوهش حاضر، زیبایی‌شناسی شعر منطقه ارسباران با نمونه‌هایی از شعر پنج شاعر این منطقه بررسی شد. شعر فارسی در این منطقه ادامه شعر کلاسیک است و شاعران آن اغلب با موتیف‌های شعر غنایی و عرفانی کلاسیک شعر گفته‌اند و موتیف شعر اجتماعی همسو با محتوای شعر

معاصر، فراوانی کمتری دارد. در زیبایی‌شناسی‌شان نیز نتایج تحقیق نشان داد: در تصویرسازی به شیوه بلاغت کلاسیک از عناصر خیال کهن استفاده کرده‌اند و عناصر معاصر کمتر است و در شعر سامانی، موسوی و حامد اهری مواردی دیده می‌شود. نمونه‌های تازگی در عناصر خیال استفاده از موتیف و شخصیت‌های تاریخی معاصر در تلمیح و تشبیه است.

از آرایه شعر فارسی، صورخیال ساده استفاده کرده‌اند و آرایه دشوار دیده نمی‌شود. فراوانی آرایه‌های پرتکرار: جناس، تکرار، تشبیه، تلمیح، کنایه، ایهام، مبالغه در شعرشان آمده است و آرایه‌های معاصر مانند نماد کمتر است و چند نمونه در شعر موسوی دیده می‌شود.

به طور کلی، ادبیات شعری این منطقه را باید جزو جریان سنت‌گرایان معاصر محسوب کنیم که در قالب و محتوا و زبان شعر کلاسیک شعر سروده‌اند و با تحولات شعر معاصر همسو نشده‌اند. از شاعران مورد بررسی، سلطانی و سالک اهری با تحولات زمانه اصلاً همسو نشده‌اند. موسوی به شعر نو، نمادپردازی و موتیف اجتماعی توجه دارد. سامانی از عناصر محلی مثل داستان سارای، شخصیت ستارخان و باقرخان در صورخیال استفاده کرده است. در شعر حامد اهری تأثیر محیط کوهستانی منطقه در زیبایی‌شناسی دیده می‌شود اما این موارد انگشت‌شمار است و ماهیت زیبایی‌شناسی شعرشان، ادامه بلاغت شعر کلاسیک است.

منابع و مآخذ

- اهری تبریزی، سالک (۱۳۹۸) مجموعه اشعار سالک اهری تبریزی، به اهتمام رضا همراز، تبریز: قالان یورد.
- اهری، حامد (میر حسین فخرایی اقدم) (۱۳۹۹) دیوان اشعار، مقدمه حسین دوستی، اهر: شمیسا.
- داد، سیما (۱۳۸۵) فرهنگ اصطلاحات ادبی، تهران: مروارید.
- دوستی، حسین (۱۳۷۳) نگاهی به تاریخ و جغرافیای ارسباران، تبریز: احرار.
- _____ (۱۳۹۴) ادبیات مرثیه در منطقه ارسباران، تهران: سفیر اردهال.
- _____ (۱۴۰۲) آوای سوتک (مجموعه اشعار و آثار و یادنامه سید مرتضی موسوی اهری) (شاعر مبارز، ۱۳۵۴-۱۳۲۱ شمسی)، تبریز: مهرنوشت.

- سامانی، امام‌وردی (۱۳۸۶) **سامانی دیوانی**، کلپبر: نویسنده
- سرهنگ بایبوردی (۱۳۴۱) **تاریخ ارسباران**، تهران: کتابخانه سینا.
- سلطانی، اسماعیل (۱۳۸۰) **شرح هجران**، تبریز: فروغ آزادی.
- شفیعی کدکنی، محمدرضا (۱۳۹۰) **صورخیال در شعر فارسی**، تهران: آگاه
- _____ (۱۳۹۱) **موسیقی شعر**، تهران: آگاه
- شمیسا، سیروس (۱۳۸۳) **نگاهی تازه به بدیع**، تهران: انتشارات فردوس.
- عباس‌زاده، سعید (۱۳۷۵) **سیمای ارسباران (اهر)**، سرزمین دین‌باوران، تهران: مؤسسه فرهنگی و انتشارات نهادی
- فتوحی، محمود (۱۳۸۵) **بلاغت تصویر**، تهران: سخن.
- موسوی، سید مرتضی (۱۳۶۵) **مجموعه شعر سوتک**، تبریز: چاپخانه صفا.

An investigation of the aesthetics of the motifs of Persian poems by the poets of Arsbaran region

Maryam Beyrami Jouband^۱, Maryam Mohammadzadeh Ph.D^{۲*},

Reza Aghayari Zahed Ph.D^۳

Abstract

Arsbaran (Qaradağ) region, in East Azarbaijan province, has many poets. In this article, by introducing the literature of this region and examining the place of poetry in it, the aesthetic motifs in the poetry of five contemporary poets of this region are analyzed: Salek Ahri Tabrizi, Morteza Mousavi, Hamed Ahri, Imamviridi Samani and Ismail Soltani. The research method is library study and the writing of a descriptive and analytical article. Salek Ahri and Morteza Mousavi are among the poets of the Pahlavi period, and Hamed Ahri, Imamviridi Samani and Ismail Soltani are among the poets after the Islamic Revolution. Five poets have used the content and rhetorical motifs of classical poetry, and there are few changes in contemporary Imagination and aesthetic elements in their poetry. The results show: The elements of classical Imagination, simple and free images and Stylistic device of ancient rhetoric, such as puns, repetition, simile, allusion, are the aesthetic motifs of their poetry and they have used them in lyrical and mystical content. In the social motif, elements of contemporary Imagination and Stylistic device of symbols have been used, but compared to the motifs of classical poetry and the aesthetics of the rhetoric of ancient literature, the elements of new Imagination are less in the poetry of this region. In general, their Persian poetry is a continuation of classical poetry.

Keywords: Arsbaran, poetry, aesthetics, motif, imagination.

۱. PhD student in Persian language and literature, Ahar Branch, Islamic Azad University, Ahar, Iran

Email: maryam_576211@yahoo.com

۲. Associate Professor, Department of Persian Language and Literature, Ahar Branch, Islamic Azad University, Ahar, Iran (Author)

Email: m-moammadrezadeh@iau-ahar.ac.ir

۳. Assistant Professor, Department of Persian Language and Literature, Ahar Branch, Islamic Azad University, Ahar, Iran

Email: aghayari87@yahoo.com